



ضربات شدید پیشمرگان کومه‌له بر
نیروهای دشمن در اطراف سنندج

**توطئه خائنانه مزدوران برای
ترور مسئولان کومه‌له را
به
پتگی گران علیه خود این
جانیان تبدیل خواهیم کرد.**

کارگران و زحمتکشان انقلابی!
خلق بزنند و بگرد!

از مدتی پیش همچنانکه شیوه همیشگی مزدوران و جیره‌بگ‌ها
امپریالیزم است و توطئه کثیف و خائنانه‌ای برای ترور مسئول کومه‌له در
اشنوبه از طرف خائنانی که حیات رویش کومه‌له را همچون خساری
در چشمان ترسان خود می‌بینند و طرح ریزی شد. روز ۱۶ بهمن
ساعت یک بعد از ظهر یکی از این مزدوران با سروی بیست و سه کومه‌له
در اشنوبه را از خانه چند متری بهرگبار مسلسل بست. اما دست سبک
جناپتگارش از قلب و مغز سبک‌ترش نتوانست صدمت کند و دستش از بار
سنگین جنایتی که در حال مرتکب شدن بود لرزید و فقط یکی از گلوله‌هایش
رفیق ما را زخمی کرد.

این خود فروخته‌ها اما ناریاهاش فرار کرد. اما اگر او ناریاهاش
تصور میکنند می‌توانند از مجازات بگریزند خیال باطلی در سر می‌پروراند.
این خود فروختگان سیاسی که همچون همه مترجمین تاریخ از مجازات
زحمتکشان و نیروهای انقلابی جا معطله‌آنان و در صدمت نگرفته‌وسرای
طولانی ترک کردن حیات ننگین خود به هر جنایتی متصل میشوند و تصور
میکند با این توطئه‌های خائنانه می‌توانند سیرت تاریخ را به نفع خود عوض
نمایند.

مفراسد آنان نمی‌تواند بفهمند که تاکنون بجای هر رفیق شهید ما دها
نفر انقلابی دیگر را برافتنارشان را ادا داده‌ود رهه میدانه‌های
ما رزه زحمتکشان علیه دشمنان خلق بهروزندانه پیش می‌روند و تنها
در میدان نبرد سلحانه و هر کدام لکه ننگ دها تن از مزدوران سرمایه
را از روی زمین پاک کرد مانند.

انقلاب را ادامه دهیم!

(بمناسبت گذشت
دو سال از قیام بهمن ماه)

۲ سال از قیام ۲۲ بهمن ۵۷
میگذرد. قیامی که آج ما رزه توده
ها بر طبقه زمین‌مواستها میرا لیزم
پهلوی بود. ما رزه‌ای که پیش از یک
سال در تمام شهرهای ایران به
شیوه‌های مختلف نظیر امتصا بهای
لاگران و دانشجویان و محصلین و
کارگران و ناریاها را ن، تحمنا
نظارا با شکوه خائنانی ادا
یافته بود. ۲ روز ۲۲ بهمن به قیام
توده‌های دهرمان منجر شد که مساط
رژیم ننگین سلطنتی را در روز (۲۲)
بهمن برهم زد و آتراه زباله دان
تاریخ فرستاد.

موج نوین ما رزه توده‌ها به خصوص
در تهران در سال ۵۵ در جریان
مقاومت زحمتکشانی که هزاران رنج
سپهناهی بنام خانه‌های
خارج از محله و در مرا
در دست نمود بهودند و نیروهای
انتظامی به همراهی ما مورین شهر را
برای ویران کردن آن خانه‌ها هجوم
می‌آوردند آغاز گشت. این مجازات
که طبرقم سرکشی شد بد از طرف
بقیه در صفحه ۲

رژیم تا سرنگونی آن هرگز قطع نشد و تا شهر منتهی برجریا ن رشد جنبش د مکر اتیک ایران گذاشته و توده های مردم را به مبارزه علیه رژیم در د بگر زمینه ها تشویق مینمود .

وابستگی شدید اقتصادی و سیاسی نبودن هیچ نوع حقوق د مکر اتیک تأثیر زیادی بر روشن فکران انقلابی گذاشته و مبارزه د انجمنان دانشگاهها را بر علیه رژیم د امن میزد و مبارزاتیکه تمام سرکوبها و شکنجه ها و زندانی کردنها و اعدامها متوقف نمیشد .

امپریالیسم آمریکا بدنیست استراتژی ترمیمی اش در آسیای جنوب شرقی - ویتنام و کامبوج لاوس - برای حفظ منافع جهانی خود از د بگر وارد شده و اینبار کارتر بعنوان نماینده حزب د مکر ات با شعار "دفاع از حقوق بشر" بریاست جمهوری آمریکا رسید و رژیم وابسته ایران به تبعیت از سیاست آمریکا با اصلاح قضایا سیاسی در ایران ایجاد کرد . غافل از اینکه وجود تورم و حیران شدن اقتصاد و کثرت روزی روهنا بودی و فشار شدید اقتصاد د بگرگان و دهقانان و کسبه و تولید کنندگان خورد میاه ناراضی تودهای مردم پراچدی رسانید که فقط همان سیاست ترویر و خفقان توانسته بود موقتا "جلو فوریان خشم تودها را بگیرد . این قضایا سیاسی به ضد خود تبدیل شد و امواج سهمگین خشم تودها در ۲۹ بهمن ۶۶ تهریز خود را نشان داد و عهد نیال آن بتدریج به شهرهای د بگر ایران گسترش یافت .

تغییر کابینه و مواضعی های رژیم نتوانست موج مبارزه تودها را متوقف کند و د تابستان ۷۷ بتدریج اعتصابات کارگری هم د انگیزه رژیم شد . اعلام حکومت نظامی در ۱۱ - شهر و گسترار جنايتکارانه تظاهرات کنندگان ۱۷ شهریور ایجاد دستخیزهای جما قد ابرای سرکوب تظاهرات

د ر شهرهای مختلف ایران بهر مکتب تصور رژیم باعث گسترده تر شدن اعتراضات و تظاهرات شد . اعتصابات کارگران نفت و دیگر صنایع پایه های رژیم را بطرز جدی آورد . این اعتصابات د ر ابتدا بیشتر جنبه های اقتصادی داشت و بتدریج خواسته های سیاسی (د مکر اتیک) مانند آزادی زندانیان سیاسی و لغو حکومت نظامی شهرها و برکناری کابینه نظامی از هاری و . . . به سه د درخواستهای کارگران اضافه شد .

سراسری شدن اعتصابات خود بخودی کارگری و رشد افکار و نیروهای انقلابی که زمینه ها و عوامل وارد میدان شدن طبقه کارگر بعنوان یک طبقه آگاه و انقلابی را نشان میدهد . باعث ترس امپریالیستها و رهبرانی که بر دوش اکثریت توده های مبارز و انقلابی سوار شده بودند و گردید "رهبرانی" که از روحانیت مرتجع و طالب قدرت و ولیرالها تشکیل میگردد بدند . آنچه باین "رهبران" اجازت داد مهود بر امواج جنبش سوار شوند و خامی بی تجربگی سیاسی و توهمات کارگران و زحمتکشان و توده های مبارز نسبت به این "رهبران" از یک طرف و ضعف ایدئولوژیک سیاسی و تشکیلاتی تشکلهای مارکسیستی و انقلابی از طرف د بگر بود .

پوزیوی لیبرال که در ۱۳ آقدا رژیم شاهد رد ولت نقشی داشت و از نظرا اقتصاد د هم تحت فشار انحصارات امپریالیستی و دولت وابسته بود و د ر شرایط قضایا ساز سیاسی به " مبارزه " با حکومت روی آورد ولی د هر قدم میخواست بسا گرفتن امتیازیه جنبش ضربه زد و جلورش را نرسد نماید .

عقب و گسترش جنبش و کشورهای امپریالیستی را و د ارتعود تابیرای بافتن تراجمی جهت جلوگیری از " وخامت بیشتر اوضاع " کنفرانسی تشکیل دهند . نمایندگان چهار کشور امپریالیستی این چنینی آنرا

انگلیس و فرانسه و آلمان و د ر آن کنفرانس با این نتیجه رسیدند که شاید بگر نمی تواند منافع آنان را د ر ایسترا ن حفظ نماید پس از آن سعی کردند از راه سلامت آمیز قدرت را به کمسانی واگذار نمایند که رسالتشان سرکوبی جنبش و نتیجتا " حفظ منافع را زهدت امپریالیستها د ایران باشد . بدنیال این کنفرانس شاه ایران را ترک کرد و نمایندگان سیاسی امپریالیستها چه د ر این وجهه در تهران شروع به مذاکره با " رهبران " جنبش نمودند .

مذاکرات د ر شرف بشهر رسیدن بود که قیام خونین بهمن به آنها مهلت انتقال سلامت آمیز قدرت را نداد . قیام د ر شرایطی آغاز گشت که تمام تاکتیکهای حکومت از قبیل بوجود آوردن دولت نظامی از هاری و سپس تعویض آن با دولت بختیار مزدور که با انحلال ساواک و دادن امتیازهای توأم بود و هیچکدام موثر واقع نشدند .

قیام بطور خود بخودی و بطور فرم مخالفت " رهبران " آغاز گشت . توده های وسیع مردم در وها د گانه ها را گرفته ها بدست آوردن اسلحه اکثر کلا تیرها و تعدادی آنها د گانه های تهران را تصخیر نمودند . عهد د نیال آن قیام به تعداد د بگری از شهرهای ایران گسترش یافت .

روحانین مرتجع که از همسالان ابتدا ای بدست گرفتن نمیشد چهره ها مخالف تهران انقلابی تودها بودند و همیشه زرشعار " امام هنوز فرمان جهاد داده " سعی در کنترل تظاهرات سلامت آمیز میکردند ؛ با شروع قیام وحشت زده به خیابانها آمد و توده های قیام کنند مرا از اقدام مسلحانه بر حذر میداشتند . و تمام کوشش خود را د رنگبندی ارتش ضد خلقی شاهنشاهی و سایر ارگانهای سرکوب بگروصاف میکردند ولی قیام مسلحانه تودها طی روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن شست مسکنی بود برد هان " رهبران "

شد انقلابی و سرانجام با همین قیام تاریخی طومار سلطنت پلید پهلوی برای همیشه در هم پیچید شد. مترجمین و سازشکاران تا زخم قدرت رسید ما ز همان ابتدا از تصویب قیام جلوگیری کرد و ارتش ضد خلقی شاه را که اعلام همبستگی با حکومت تا زخمیکرد و با آفوش ساز پذیرفتند. و از طرف دیگر از طریق ارگانهای تحت کنترل خود یعنی "کمیتها" شروع به خلع سلاح توده های قیام کنندگان کردند.

رژیم ضد خلقی ضد انقلابی تازه که شورشها را با امپریالیستها بسود در میان فضای پرا زاتش و خون قیام با رومه وجود گذاشته مترجمین میسازان تا زخم قدرت رسیده راهبند و شرایطی فریاد "دیگر انقلاب تمام شده است" را سر میدادند که کارگران و دیگر همکشان باست شدن استعداد دهها و صد ها سالهای کمان برادر زنجیر اسارت نگاه داشته بود و تازه داشتند در میان موج انقلاب آموزش یافته و خود را میشناختند و خواسته های واقعی خود را مطرح میکردند.

برای "پالائیها" برای بقدرت بدگان و انقلاب تمام شد بود. در حالیکه برای پالائیها "که بعد از آنها و نصب زادی را احساس کرد میبوند و انقلاب واقعی تازه آغاز گشته بود. هدفین طریق بود که ضد انقلابیون تازه بقدرت رسید ما ز روی بیکرد همها هزار شهید گشته و برای دفاع از سلطه سرما به جلورشده انقلاب دیکراتیک ایران را سر کردند و دولت حامی سرما به داران در شکل دیگری حیات ننگینش ادامه یافت و بلافاصله شروع به ترمیمها شدن و ولتی مخصوص ارتش - کسه در جریان قیام ضربهای کاری ولی کسه هلاکت بار خورد میبود - کردند و در هر قدم شروع به پس گرفتن دستاورد های قیام نمودند.

اما چرا جنبش انقلابی و اعتلای آن

یعنی قیام بهمن ما نمیتوانست به روی کار آمدن یک دولت انقلابی منجر شود؟

اساسی ترین ضعف جنبش خود بخودی بود. مبارزه طبقه کارگر بود. طبقه کارگر طایفه شرکت وسیع در جنبشها وجود از خود گذشته و جانشانی زیاد چه بصورت اعتصابات و شرایط سخت حکومت نظامی و چه شرکت در تظاهرات خیابانی مهالا هر شرکت در قیام با تشکیلات و خواسته های طبقاتی خود وارد جنبش نشد.

رهبری اعتصابات کارگری و جنبش شوراها بی کمینام شورا های کارگری در جریان قیام وجود از آن موجود آمدند در دست کارگران و انقلابیون آگاهی که در یک حزب سر تا سری و پیشاهنگ طبقه کارگر متشکل گشته باشند نبود. در نتیجه این "شوراها" فقط میتوانستند خواسته های اقتصادی و احتمالاً سیاسی کارگران را در سطح محدود و جزئی و نا همگون مطرح سازند و تا زخمی روی کافی نیز برای کسب یا حفظ دستاورد های خود نداشتند. به علاوه در درون شوراها رهبری اعتصابات نامبندگان جریانات سیاسی نیز حضور داشتند یا شکل گرفتند که از موضع طبقه کارگر بلکه از موضع خرد و بورژوازی بساز بورژوازی حرکت کرد و موازین را از کارگران برای کسب امتیازاتی بنفع خود استفاده مینمودند.

جنبش کمونیستی ایران مخاطر عدم دسترسی به تئوری انقلابی و نداشتن وحدت ایدئولوژیک و برنامهای واحد در پیوند با مبارزات طبقه کارگر و از نظر سیاسی و تشکیلاتی نیز در برابر آنگدی به سر میبرد. بنا بر این نمیتوانست پیوندی آگاهانه و فشرده با اشکال مختلف مبارزه کارگران برقرار کرد و وقار نمیبود نیروهای پراکنده کارگران را نیز برای ادامه مبارزه یبیکسر و نیرومند و مستقل و طبقه رژیم و دشمنان

طبقاتی برولتا را متحد نماید. همین کیفیت جنبش کمونیستی پراکنده بود و برنامها ایران نمیتوانست جز به شکل شرکت بدون مرز بندی در جنبش دیکراتیک بصورت انزوا طلبی در برابر جنبش عمومی و دیکراتیک در صحنه مبارزه ظاهر شود. با این حال خود قیام بهمن ما زمینه مساعدی برای رشد نیروهای انقلابی و ارتقا تجربیات سیاسی کارگران و بطور کلی ادامه انقلاب فراهم ساخت. بطوریکه رژیم جدید هر چند شیوهها و روشها را سرکوب و کشتار میسازد توده ها را تا برای برقراری حکومت دیکتاتور و وحل تضادهای درونی خود بکاربرد ماست اما تاکنون موفق نشد ما وضع سیاسی خفان بسیار گذشت را برقرار نماید.

سنج

● ۵۹/۱۱/۱۱ - ساعت ۵ صبح یک ستون بمبارده ارتشی با صدای جاش روستای "کرجو" را محاصره نمودند و ساعت ۷/۵ صبح وارد آنجا شدند. همچنین در ساعت ۹ صبح ۲۰ خود را زنیروهای دشمن بکسب ستون بمبارده وارد این روستا شدند. دشمن تا نزدیکیهای ظهر در کرجو ماند و از آنجا روستا فشان برداخت. سرک کارگران اموال چند منزل را قارت کردند و مردم را جمع کرد و از آنها خواستار تحویل اسلحه شدند. ولی با مقاومت روستا فشان مواجه شد. و در نفر از آنها را دستگیر و با خود بردند.

طی این مدت در دستا زنیروهای کومله (پل شهید جلال) کسه در منطقه بود و بطرف نیروهای دشمن حرکت کرد و در مسیر ستون کمین نشستند.

در ساعت ۱ ظهر هنگامیکه ستون برای ادامه اعمال جنایتکارانه اش مازم روستاهای مجاور بود، بکسب پیشمرگان کومله متاد و زیر آتش

بقیه - توطئه مزدوران

این خائنان برای حفظ موجودیت ستمگرانه خود هنگامیکه رواج دادن جهل و فساد و زور و قتل و تهاجم با کثیف ترین و مرتجعترین نیروهای جامعه و دیگر ردیای آنها را دوان میکنند و ناچارند که همان شیوه کهنه شده مزدوران امپریالیزم یعنی قتل و جنایت و ترور و بیشرمانه انقلابی را در پیش گیرند .

اما این خائنان که خیال خام ترور مسئولان کومپله را در سر می پیوراندند و شاید برای پنهان کردن چهره گریه خود با آنها مزد نهد بگران دست زد و حتی برای رفقای ما مراسم عزانین برقرار کنند . باید بدانند که پیشمرگان ما همچون انتقام سختشان در مقابل خون شهید کاک احمد شمسانی و در برابر این خود فروختگان تروریست نیز همین رفتار را خواهند داشت .

ما تروریست نیستیم . اما در برابر تروریست انقلابی هیچ تمهید بنداریم که جوابش را با ترور انقلابی ندیم . همه رفقا پیشمرگان ما موظفند که در کمال هوشیاری و مراقبت توطئه های مزدوران را خنثی کنند . و با مشاهده اینگونه جانباختن آنها را قبل از انجام عمل خائنانه شان اعدام انقلابی نمایند . تا برای مردم معلوم گردد ما ملان و سردمداران این نقشه های ننگین چکسانی هستیم . و از خشم انقلابی زحمتکشان پیشمرگان کومپله و مجازاتی که شایسته اش هستند نتوانند بگریزند .

خلق رزمنده کرد !
پیشمرگان زحمتکش و آگاه کردستان !
زحمتکشان انقلابی !
مردم مبارز اشنویه !

کومپله در میان شماست . مسئولان کومپله در میان شما و همرا شما بهارزه طبرستان و دیگران و مرتجعین برداختانند . مزدورانی که توطئه خائنانانه ترور مسئول کومپله را اشنویه را چیدمانند . برای اعمال حاکمیت و تسلط مدافعان جهل و استبداد و استعمار بر شما و برای ادامه زندگی انگل وار خود بدین کار دست زد مانند . برای مبارزه علیه حاکمان جهل و استبداد و استثمار و مسئولان پیشمرگان کومپله را از کوچکترین توطئه خائنانه ای که علیه آنان طرح ریزی شد مباد با خبر سازید . پیشمرگان ما به همراه شما خلق رزمنده و مزد خائنان را کف دستشان خواهند گذاشت .

طی سخنانی مفصل چگونگی تأثیرات مثبت وطل شکست جمهوری خود مختار کردستان را تشریح کرد و در پی جنبش مقاومت خلق کرد و ارتباط آن با جنبش سراسری خلقهای ایران و جنبش طبقه کارگر ایران و لزوم پشتیبانی هر چه بیشتر زحمتکشان از آن سخنان ایراد کرد .

مردم منطقه اشنویه از این متینگی استقبال پرشوری نمودند و وارد بگری پشتیبانی قاطع خود را از جنبش مقاومت خلق کرد و تنفر خود را از سیاستهای ضد خلقی و جناح پنگارانه حکومت جمهوری اسلامی ایران نمودند .

اشنویه

● ۵۹/۱۱/۲ - در این روز متینگی از طرف کومپله در مسجد جامع این شهر برگزار شد .

انجمن عظیمی از مردم شهروند همت اشنویه جهت شرکت در این متینگی در مسجد گرد آمد نمودند . برنامه ها سرود " پیشمرگه گریکاران " (پیشمرگ کارگران) شروع شد . سپس از طرف هواداران و کوری تا فرمان تیکوشمر (جمعیت زنان مبارز) به این مناسبت پیامی قرائت شد .

بعد از آن مسئول کومپله در اشنویه

بقیه خبر سفندچ

سلاحهای سبک و سنگین آنها قسراً گرفتند . دشمن که پس از ورود بسدین درگیری خود به روستای " کرجسو " انتظار چنین حمله مبرق آسا و کهنه ای را ندانست و سراسیمه و وحشتزده نیروهایش پراکند شد و از بیشری باز ماند و مجبور به عقب نشینی گردید . درگیری و ساعت ادامه داشت و طی آن تلفات زیادی به ارتشبان و جانشینان آنها وارد آمد . در تمام طول مدت درگیری روستا تا ن روزمندی و زحمتکش فعالان در رستگراها به پیشمرگان کمک میسراندند . در جریان عقب نشینی ستون یک و یک جیب دشمن به در سقوط کرد که در نتیجه آن مدد های کشته و زخمی شدند . از مجموع تلفات دشمن در این نبرد اطلاع دقیقی در دست نداریم . پیشمرگان به درون هیچگونه آسیبی به یاریگاههای خود بازنگشتند .

گزارشی از مهاباد

● شهر همچنان حالت جنگی دارد به بازار تعطیل است ، اهالی محلات فقیرنشین با امکانات ناچیز خود مشغول ساختن بناها گاه مبرای در امان ماندن از خطر بمباران و توپ باران ارتش هاسداران جناح پنگار هستند .

ذخیره مواد غذایی مردم بهر تمام است . تعدادی از مردم شهروند ترک کرد مانند هد هات و شهرهای اطراف پناهمرد مانند . هر چند گاه یکبار صدای دلخراش گلوله های توپ و بمباران و رگبار مسلسل های ارتش هاسداران سکوت شهر را درهم میشکند .

مردم با امکانات کم خود زخمیان را مدد او میکنند و وجود این همه فشارها روحیه بسیار خوبی دارند .

پیشمرگان کومپله از تاریخ ۵ / ۱۱ / ۵۹ / شهر را ترک کرده اند .

بقیه گزاره می‌باشد

دیروز (۵۹/۱۱/۱۵) - پاسداران بطرف دفترها بردرجلسو مسجد عباس آغا آتش می‌گشایند و در نتیجه یکی از آنها را زخمی و دستگیر میکنند. همه ادارات تعطیل هستند و تنها اداره آب و برق به دلیل اهمیت آن برای نیروهای دولتی مشغول بکارند ولی پاسداران کارمندان و کارگران آنجا را نیز بشدت زیر فشار قرار داده‌اند و هر روز همبها نغای آنان را مورد اذیت و آزار قرار میدهند. سرکوبگران موقع تعطیل ادارها زنگت کارمندان به خانه‌هایشان بسوی آنها تیراندازی کردند که خوشبختانه کسی آسیبی نرسید.

امروز (۵۹/۱۱/۱۶) مزدوران مستقر در "دانشامجد" اطراف چهارراه مولوی را زیر توب و خمپاره گرفتند که در نتیجه دست کم ۲ خانه ویران شده و سه نفر از مردم بهدفاع شهید و دین دیگر زخمی شدند. در این اثنا یک گلوله خمپاره به جیب و سینه پاسداران که از محل عبور میکرد و اصابت کرده و سه تن از پاسداران مهلاکت رسیدند. همین خمپاره‌ها را با ساعت چهار بعد از ظهر ادامه یافت. وقت آمد مردم در این روز قطع شد.

زندانی سیاسی به همت توده‌ها آزاد باید گردد.

چندی قبل "حمید صدوق" (هو) ادرا زمان مجاهدین خلق) بر اثر انفجار نارنجک بشدت مجروح میشود. نارنجک توسط قهری عضو "سپح مستضعفین" منفجر گشته بود. باری حمید صدوق به بیمارستان منتقل میشود در مجموع ۳ الی ۴ تکه نارنجک و ساچمه در بدن صدوق موجود بود. بهیروزه بعلمت اینکه و تکه نارنجک در نزد یک قلب و ریه و ضرر رفت و در محل جراحتی "طالقا" ضرر زد.

لیکن ضد انقلاب که بشرعی او اینک حد و حصری ندارند و از عمل جراحی جلوگیری میکنند و آنرا منوط به سپردن تعهد عدم فعالیت سیاسی می‌حمید صدوق حاضر شده‌اند "تعهد" نمیشود لذا پاسداران او را از بیمارستان میبرند و پس از ضرب و شتم و حشیا نه به زندان ساری منتقل می‌سازند. در زندان ساری و صدوق راهم چون سایر زندانیان سیاسی در اتاقی مرطوب قرار میدهند. شرایط زندگی در زندان چنان غیر انسانی است که اغلب زندانیان می‌میرد و باید در مبتلا شده‌اند.

یکشنبه ۱۴ دی

در این روز حمید صدوق به شرح وضعیت خود و ماجرای شکنجه شدنش می‌پردازد. رفتار جنايتکارانه رژیم چنان آشکار بود که زندانیان - ما دی‌زشتیدن جریان ما واقع به چشم آمد بود و محوطه زندان به شمار دادند می‌پردازند. خورشید انقلابی زندانیان چنان مزدوران و زجرها به هراس می‌اندازد که پاسداران ملامت فاصله نیروی کمکی می‌طلبند و هم‌رتاب گاز اشک آور در میان زندانیان می‌پردازند. مزدوران سرمایه حتی به این اکتفا نکردند که میان زندانیان رگبار می‌گشایند.

عمل شکنجه رژیم در قبال زندانیان سیاسی وادی در میان مردم چشمک می‌شود و نفرت آنان را برمی‌انگیزد. ما در آن مجاهدین زندانی هستیم - استانداری میروند و به وضع موجود در زندان اعتراض میکنند. لیکن استانداری مرجع در مقابل این همه فاسد ضد انسانی با گفتن اینک همین ربطی ندارد و دستور از بالاست (بهتر از پیش ماهیت خود و "بالا" و آشکار می‌یازد.

حمید صدوق همچنان با همان وضعیت در زندان است. زندانیان - های ایران اکنون لیس را مستأثر از زندانیانی همچون صدوق. اما آیا برای وضع پایانی نیست؟ چرا. توده‌ها همچنان که در زمان شاه

کردند بیکبار دیگر نیز فرزندانشان انقلابی‌شان را آزاد خواهند ساخت. لیکن ملا و سران این بار با همه بنیان زندان‌ها را نیز در هم خواهند کوبید. نقل از روزندگان شماره ۴۹

اختراع ۱۲ نفر از کارگران ایرلند

کالیفرنیا و گشت و صنعت تراقی در تاریخ ۲۰/۹ کارفرمای شرکت‌های ایران کالیفرنیا و گشت و صنعت تراقی ۲۰۰ نفر از کارگران این شرکت را اخراج میکند. کارگران که در واقع حق زندگی به صورت نسیب از آنان سلب میشد به همراه همسر طیاره این روح فرومایگی برخواستند و مقدمه متابعی اجتماع برای بررسی وضع موجود برداختند. تجمع کارگران که از سوی سرمایه داران پاسداران مسزدهر سرمایه‌خیز قابل تحمل بود مورد تهاجم و حشیا تفرار می‌گردد پاسداران حتی به تیراندازی‌ها می‌پردازند. کارگران چند نماینده به تهران و پیش ویزیکا می‌فرستند. ویزیکا ریسز که جز تا من منافع کارفرمایان و دولت کاری ندارد آنها را به مقامات محلی و حاکم شرع حواله میدهد.

هفته بعد کارگران همراهمانندگان‌شان در خانه حاکم شرع اجتماع میکنند که نتیجه‌ای نمی‌گیرند. دولت و مدبریت این شرکت به بشر نامه کارگران پیشنهاد کرد که در روز ای هر سال کار کردن... تومان پول بگیرند و میروند. کارگران که در این شرایط گرانی بی‌کاری می‌بینند که دولت و مدبریت آنها و خانوادشان را در از نان خوردن می‌اندازد. پیشنهاد به شرمان آنها را رد کرده‌اند. نقل از روزندگان شماره ۴۹

توضیح خبر
قبلا "هما" گاهیتان رساند بجهت قاسم جاش معروف سقزهد ف گرا به قرار گرفته و شدت زخمی شد ما است. طبق اخبار رسید ما این عمل انقلابی بوسیله رفقای چریک‌های فدائی خلق (جانداران) صورت گرفته است.

بیاد پیشمرگ زحمتکش و انقلابی

کاک سید احمد عزیزی



پیشمرگ زحمتکش و انقلابی کومله کاک سید احمد عزیزی ۲۵ سال قبل در روستای "لاهن" در اطراف پیرانشهرید دنیا آمد. پدرش دهقان فقیری بود که روزگار را به سختی میگذراند و بد رستگاری و صداقت و استقامت در برابر ستم اربابان و زاندارها شهرت داشت و مردم منطقه برای او احترام خاصی قائل بودند.

شهید سید احمد در سنین نوجوانی پدرش را از دست داد و سرپرستی خانواده را برعهده گرفت. از آن

موقع زندگی آنها با رنج و مشقت بیشتری همراه بود و این وظیفه را برایشان پیش با زندگی توده ها در هم آمیخته. در سال ۱۳۵۳ با تمام فروش فشنک قاچاق برزندان افتاد و به ۱۰ سال زندان محکوم گشت و پس از گذشت یکسال در زندان با ضمانت آزاد گردید. در زندان سواد خواندن و نوشتن را فرا گرفت و در راهبها روشنفکران انقلابی در آنجا تا حدودی آگاهی سیاسی - طبقاتی پیدا کرد. پس از آزادی زندان و هنگام سقوط رژیم پهلوی بعد از ۳ سال در مناطق مخطف ایران مبارکری برداشت. و در این دوره هم سرپرستی کارگران و زحمتکشان ایران را با تمام وجود احساس نمود و ایمانش به مبارزه در راه آنها بی آنان محکمتر گشت.

شهید سید احمد در دوران جوانی و پیش از آن هنگام بطور خستگی ناپذیر با انجام وظایف انقلابی خود پرداخت و فعالیتها را در آنجا که میسر بود و همچنین کمک به رفقا پیش در این مورد تلاش می نمود. و از ضرورت مسلح شدن به تئوری انقلابی را دریافته بود و میدانست که بعنوان یک کارگر انقلابی همراهمان دیگر همزمان وظیفه تاریخی بزرگی را بر دوش دارد و آن مبارز است از تلاش در رزمای ختن آن چنان تشکیلات سیاسی نیرومند که قادر باشد مبارزات توده های تحت ستم و استعمار را رهبری کرد و همپروزی برساند. شهید سید احمد با زحمتکشان منطقه وسیعاً آشنائی داشت و به منظور پیوند دادن آنان با جنبش انقلابی و بسا آنها طرح دوستی می ریخت. در پیشاپیش دیگر رفقای پیشمرگ در کارهای تولیدی زحمتکشان شرکت میکرد و رفقای روشنفکر خود را با دلسوزی پیش از حد در این راه همراهی میداد. این خصوصیات برجسته رفیق شهید او را در دل پیشمرگان و مردم منطقه جای داد. آنها هیچگاه چهره عذاب او را که در هر فرصتی با حرارت و با زبان ساد و زبانت و پیرانه کومله برای مردم سخن می گفت و فراموش نمی کنند.

رفیق شهید در بیشتر دگرهای منطقه شرکت داشت و در محاصره تاریخی پادگانها و نبرد های آریا با دشمنان و پیش بدوش دیگر همزمان با سرکوبگران جنگید. شهید سید احمد عزیز که مسئولیت یک دسته پیشمرگان کومله را برعهده داشت. سرانجام در تاریخ ۱۰/۲۹/۵۹ طی یک نبرد قهرمانانه در کیلومتری پیرانشهر با مزدوران جمهوری اسلامی ابتدا زخمی میشود و مدتی بعد قلب پرشورش از حرکت بازمی ماند و شهیدان شمرسد. از دست دادن رفیق شهید سید احمد غم و اندوه فراوانی در دل همه پیشمرگان کومله و زحمتکشان منطقه جای گذاشت و ما با تسلیم به غمناکانه رفیق و تمام پیشمرگان کومله با عزیمت آهنگین با ادامه راهش یادش را گرامی میداریم.

طبقه کارگران ایران با تشکیل صف مستقل مبارزاتی خود میتواند برجم دفاع پیگیر از جنبش دموکراتیک و ضد امپریالیستی، جنبش دهقانان و جنبش خلقها را بدست گرفته و آنها را به نیروی ذخیره و متحد خود در انقلاب دموکراتیک تبدیل نماید.